

مروری بر روش های استعدادیابی در کانگ فوتوآ ۲۱

مرتضی محمودی کمرخ

چکیده

زمینه و هدف: استعداد ورزشی به دید مشاهده کننده بستگی دارد. اکثر والدین و مربیان به این موضوع فکر می کنند که ورزشکاران زنده آنها در مسیر موفقیت خود به اهدافی از جمله قهرمانی در ورزش حرفه ای دست یابند. این والدین و مربیان به دلیل همین دور اندیشی که گاهی ممکن است به بیراهه نیز کشیده شود، پول و وقت و انرژی بسیار زیادی صرف رسیدن به اهداف خود می نمایند. روش بررسی: در این خصوص بیش از ۲۰ مقاله علمی از سایتهای مختلف علوم ورزشی مورد بررسی قرار گرفته و از بین آنها مقاله های همراستا برای انجام این مقاله مروری مورد استفاده قرار گرفت. یافته ها: ارزیابی استعداد ورزشی از دید مربیان، استعدادهای کارآموز چیز دشوارتری می باشد، آنها می دانند که ظرفیت برتری در ورزش به ترکیبی از عوامل جسمانی، محیطی، روانی و عاطفی بستگی دارد. و این نکته را نباید فراموش کرد که استعداد، حتی اگر وجود داشته باشد و افراد به آن پی ببرند، باز هم نمی توان برتری ورزشی را تضمین نماید.

نتیجه گیری: در این مقاله بر آنیم تا نگرش والدین و مربیان زحمت کشی که بدنبال کشف استعداد های فرزندان و شاگردان خود هستند را به سمت و سوی مناسب سوق دهیم و در خصوص استعدادیابی در ورزشهای رزمی مانند کانگ فوتوآ ۲۱ به بحث و بررسی بپردازیم

کلید واژه ها : مروری، استعدادیابی، استعدادیابی ورزشی، کانگ فوتوآ ۲۱

مقدمه

طبیعی است که همه انسان ها با وضعیت های جسمانی یکسان آفریده نشده اند این همان اصل تفاوت های فردی است که اگر چه کودکان به ظاهر همگی بازیگوش و فعال و پر انرژی به نظر می رسند و نیز مشتاق یادگیری هستند اما باید در نظر داشت که همه آن ها از یک استعداد جسمانی و هوش یادگیری یکسان بهره مند نیستند . لذا بسیار ضرورت دارد تفاوت بین آن ها را شناسایی و درک کرد و ویژگی های فردی را در نظر گرفت و مطابق آن گروه بندی انجام داده و مراحل آموزش را طی کرد . اینک برای ۳ پاسخ به این سوال که برای آموزش مهارت های ورزش چگونه باید عمل کنیم و اهداف آموزش را چگونه تعریف کنیم ؟ پاسخ این سوال نیازمند بررسی هوشمندانه و دقیق جسمانی و روحی و روانی افراد است که (استعداد یابی) نامیده می شود. بدون یافتن علاقه و استعداد کودکان وقت و انرژی هر دو گروه آموزش دهنده و گیرنده تلف خواهد شد(۳).

استعداد از لحاظ لغوی در معانی گوناگون از جمله در یک توانایی طبیعی ویژه و قابلیت دستیابی به هدف یا موفقیت» تعریف شده است. استعداد نوعی آمادگی طبیعی یا اکتسابی برای اجرای برخی از فعالیتها تعریف شده است. هر استعداد در زمان خاصی بروز می کند و پیش بینی آن در مراحل اولیه دشوار است . از طرف دیگر، تغییرات جسمانی، شناختی و عاطفی نیز در طول رشد باعث تغییر در عملکرد استعداد می شود. همچنین هر استعدادی بتدریج رشد می کند و سرعت رشد آن نیز در افراد متفاوت است و در سطح معینی به فلات می رسد. تشخیص استعداد از پیش بینی آن آسانتر است ، چون استعداد در مراحل خاص از دوران رشد بروز می کند. مثلا استعداد نقاشی و موسیقی در دوره دبستان و استعداد ریاضیات و علوم در دوره راهنمایی و دبیرستان آشکار می شود. هر فرد دارای استعدادهای فراوانی است که از آن جمله می توان به استعداد حرکتی نیز اشاره کرد. این استعداد در فعالیتهای حرکتی - ورزشی نقش بسزایی دارد. استعداد حرکتی و ورزشی کودکان را می توان با مشاهده دقیق تشخیص داد، زیرا فعالیتهای حرکتی کودکان اولین و ساده ترین رفتارهایی است که بروز پیدا می کند و در دوره ابتدایی قابل تشخیص است. البته استعداد حرکتی، صرفا پایه جسمانی و حرکتی ندارد و نباید تشخیص اولیه را سریعا به پیشرفت ورزشی فرد در آینده تعمیم داد. بروز کامل استعداد حرکتی، مستلزم گذشت زمان و به ظرفیتهای روان شناختی فرد وابسته است.(۲)

بنا به تقسیم بندی گاردنر در نظریه هوش چندگانه یا مختلط خود، هوش را به هفت نوع تقسیم کرده است: هوش حرکتی - بدنی ، هوش فضایی، هوش زبانی یا کلامی، هوش منطقی- ریاضی، هوش بین فردی و هوش فرا شخصی یا فرا فردی. چون در این تقسیم بندی هوش عمومی و کلی وجود ندارد و به هوش ویژه یا اختصاصی توجه شده است. پس می توان انواع هوش را نوعی استعداد درونی و طبیعی قلمداد کرد. آنچه در تربیت بدنی و ورزش مهم است هوش حس حرکتی و بدنی است. افراد دارای هوش فضایی، جهت اشیا را در فضا بخوبی درک می کنند، در جهت یابی قوی هستند و از حس تصویر سازی و تجسم خوبی برخوردارند. این افراد ترجیح می دهند از طریق کار گروهی، همکاری و دوستی فعالیت کنند. در تربیت بدنی و ورزش نیز این دو نوع هوش مؤثر است. اجرای حرکات به جهت یابی و درک فضایی، و موفقیت در ورزشهای گروهی به همکاری و هوش بین فردی وابسته است.(۲)

روش پژوهش:

در این مطالعه مروری با جستجوی کلمات کلیدی استعدادیابی در ورزش، استعدادیابی، کانگ فوتوآ ۲۱ در مقالات پایگاههای اطلاعاتی معتبر مانند PubMed و سایت پژوهشکده تربیت بدنی، سایت دانشکده پزشکی اصفهان و سایت مجله پژوهش و سلامت و بانک اطلاعاتی و سپس مطالعات داخلی رصد شدند. بررسی و مرور نهایی روی بیش از ۲۰ مقاله انجام گرفت. سپس نتایج ۶ مطالعه همراستا ارائه و بررسی و مرور نهایی روی ۶مقاله انجام گرفت. سپس نتایج ارائه شد. در ادامه به بررسی استعدادیابی در ورزشهای رزمی می پردازیم.

یافته های پژوهش :

استعداد ورزشی به اندازه توانایی سریع دویدن روی یک مسیر مستقیم، باریک و محدود، و به اندازه توانایی بازی در پشت مدافع در ورزشهای گروهی وسیع و گسترده است. مایکل جانسون که قهرمان دوی سرعت المپیک است. بالاترین حد استعداد ورزشی را به نمایش می گذارد، اما با این حال

مهارتهای آن بیشتر یک بعدی است (استعداد یک بعدی). استعداد ورزشی همچنین می تواند توانایی بازی کردن در پست گارد رأس بسکتبال وسعت داشته باشد. چرا که باید در هر لحظه بازی مهارتهای جسمانی، عاطفی و ناملموس را با هم تلفیق نمایند. چرا که این بازیکنان بندرت در یک مسیر مستقیم سریع می روند. اما در عوض باید تصمیم گیری نمایند، بازی ها را پیش بینی کنند، توپ را کنترل کنند، بدون، تغییر جهت دهند، نسبت به بازیکنان خودی و حریف عکس العمل نشان دهند. استعداد ورزشی این افراد چند بعدی است. (۱)

بعضی از ورزشکاران هستند که به دلیل تخصص یافتن زود هنگام، رقابت و مقدار پول هنگفتی که به آنها داده می شود. اغلب در یک رشته ورزشی ماهر می شوند. اما عده ای دیگر در چندین رشته بصورت حرفه ای بازی می کنند و اغلب در همه آنها موفق می باشند. استعداد در روند پیشرفت یکی دیگر از ابعاد ورزشی است بدین معنا که در همه رده های سنی ورزشکاران با استعدادی وجود دارند که در فعالیتهای ورزشی خود برتر بوده یا حتی بر حریفان خود غالب می شوند. آنها در آنچه که اکنون انجام می دهند خوب هستند. اگر ورزشکاری در سن ۱۰ سالگی خوب است، تضمینی وجود ندارد که در سنین ۱۶، ۱۵ یا ۲۰ سالگی هم خوب باشد. (۳)

استعدادیابی حرکتی ورزشی

برنامه ریزی برای رشد و توسعه استعداد حرکتی از اوایل کودکی امکانپذیر است. تواناییهای حرکتی در مراحل مختلف یادگیری تأثیر یکسانی ندارد و در هر مرحله از یادگیری به تواناییهای خاصی نیاز است. در مراحل اول یادگیری، توانایی فضایی و در مراحل نهایی یادگیری، توانایی حسی حرکتی مهمتر از سایر تواناییها است. انتخاب افراد مستعد برای ورزش از بین افراد بسیار، فقط یک گام ابتدایی در فرایند نسبتاً طولانی تربیت ورزشکار است. پس از انتخاب، کودکان باید از نظر بدنی و روانی و اجتماعی برای شرکت در تمرین و رقابت ورزشی آماده باشند و مدام مورد ارزیابی قرار گیرند. محیط آموزشی باید سالم، لذت بخش و بی خطر باشد. تربیت ورزشی در مدارس بخش مهمی از فرایند استعدادیابی است. اگر چه استعدادیابی کاملاً تخصصی و فنی است، ولی معلمین آشنا با برخی زمینه های نظری و کاربردی ساده در استعدادیابی می توانند هدایت و راهنمایی اولیه را به

عهده بگیرند. به طور کلی تشخیص و انتخاب استعداد حرکتی دانش آموزان از طریق اندازه گیری و شناسایی مؤلفه های زیر امکانپذیر است: ۱- شناسایی و اندازه گیری ویژگیهای جسمانی و بدنی ۲- شناسایی و اندازه گیری عملکرد ادراکی حرکتی (توانایی حرکتی) ۳- شناسایی و اندازه گیری توانایی یادگیری مهارتهای ورزشی ۴- شناسایی و اندازه گیری ویژگیهای روانی و عاطفی ۵- شناسایی عوامل ناملموس اندازه گیری به منظور انتخاب باید در طول دوران رشد انجام بگیرد و چند مرحله ای باشد؛ زیرا پیش بینی یا انتخاب اولیه دقت لازم را ندارد. از طرف دیگر، انتخاب چند مرحله ای به مربیان امکان می دهد که دانش آموزان را از نظر تغییرات رشدی در زمینه جسمانی، عاطفی- اجتماعی و فرهنگی تحت کنترل داشته باشند. از طرف دیگر، اندازه گیری مستمر در دوران مدرسه امکان تغییر و اصلاح انتخاب اولیه و هدایت فرد را به رشته های ورزشی مشابه و نزدیک فراهم می آورد. و این نکته را نباید نادیده گرفت که عوامل زیادی مانند تبلیغ و تأکید رسانه گروهی، علاقه والدین یا سایر اعضای خانواده امکان دسترسی بیشتر به تسهیلات ورزشی و گروه همتایان نیز در فرایند انتخاب و اصلاح رشته ورزشی مورد علاقه دانش آموزان تأثیر می گذارند. (۱)

شناسایی و اندازه گیری ویژگیهای جسمانی برای توصیف قابلیتهای جسمانی ورزشکاران از واژه های بسیاری استفاده می شود: جثه، سرعت، چالاکی، قدرت، توان، چابکی، انعطاف پذیری، هماهنگی، استقامت و بینایی. اما چون افراد تعاریف و تعابیر خودشان را از این واژه ها دارند، مشکل به وجود می آید. برای مثال، آن معنایی که قدرت برای یک فرد دارد، ممکن است برای فرد دیگر به مفهوم توان باشد همچنین اندازه گیری تغییرات زیستی و فیزیولوژیک در مدارس یا بسیاری از باشگاه ها بسیار دشوار است؛ به همین منظور می توان از: (۱) جدول و فرمولهای رشد (۲) هنجارهای جسمانی و بدنی مورد نیاز رشته های ورزشی استفاده نمود. مطالعه جداول و منحنیهای سرعت رشد در مراحل سنی مختلف اطلاعات مفیدی را درباره تغییرات عوامل اندازه گیری شده در اختیار مربیان می گذارد. در ادامه برخی ویژگیهای جسمانی را در چند رشته ورزشی انفرادی و گروهی بیان شده است. این ویژگیها به منظور کمک به مربیان، والدین و ورزشکاران جهت ارزیابی پتانسیل موفقیت ارائه و به سه دسته زیر طبقه بندی می شوند:

۱- آنهایی که عامل مهم محسوب نمی شوند (برای دستیابی به سطوح بالای عملکرد نیازی

به آنها نیست). ۲- مزیت‌ها (ویژگی‌های که مشارکت دارند اما ضروری نیستند) ۳- پیش‌نیازها برای دستیابی به سطوح بالای عملکرد لازم و ضروری به شمار می‌روند). (۱)

۱. شناسایی و اندازه‌گیری عملکرد ادراکی - حرکتی سرعت و دقت در تصمیم‌گیری، تمرکز و توجه، انسجام بین اطلاعات بینایی و گیرنده‌های عمقی و مواردی از این قبیل به توانایی حرکتی - ادراکی فرد وابسته است. دقت دیداری در تیراندازی، واکنش سریع در شمشیر بازی - درک کلی حرکات چند بازیکن در فوتبال و والیبال و حرکات فریبنده در اجرای نفر به نفر بدون توانایی حرکتی - ادراکی امکان‌پذیر نیست. تابلوهای بینایی سنج و دستگاه‌های سنجش زمان واکنش برای اندازه‌گیری این توانایی استفاده می‌شود.

۲. شناسایی و اندازه‌گیری توانایی ورزشی توانایی یادگیری و اجرای مهارت‌های یک رشته ورزشی به ترکیبی از توانایی حرکتی و توانایی جسمانی گفته می‌شود. سرعت، دقت و استقامت در کنار تجارب مفید و سازنده دوران مدرسه زمینه‌های لازم را برای افزایش توانایی ورزشی فراهم می‌آورد. مربیان و معلمین برای کشف استعداد های ورزشی باید تجارب حرکتی و ورزشی پایه را تقویت کنند تا توانایی یادگیری و آموزش‌پذیری دانش‌آموزان زیاد شود. ۳. شناسایی و اندازه‌گیری مهارت‌های روانی و عاطفی (روان‌شناختی) سریع‌دویدن، بالا پریدن یا قدرت زیاد، یک چیز است ولی حضور ذهن داشتن برای استفاده از استعداد جسمانی در خور در یک محیط رقابتی پیچیده چیز واقعا دیگری است. منظور برخورداری از ضریب هوشی بالایی نیست، بلکه در دور نما یا تصویر بزرگ‌تری از فعالیت ورزشی و ترکیب آن دسته اطلاعات با مهارت‌های جسمانی است که در نتیجه نهایی اثر می‌گذارد.

ویژگی‌های روانی و عاطفی به اندازه‌ای مهم هستند که نقش عوامل دیگر کم‌رنگ می‌سازد بطور کلی چند ویژگی روان‌شناختی برای موفقیت و استعداد یابی ورزش بسیار مهم هستند و مربیان باید به آنها توجه داشته باشند که عبارتند از: انگیزه درونی: که می‌تواند در یک سن پایین وجود داشته باشد یا آنکه تا اواخر سال‌های دانشگاه رشد و توسعه یابد جیم لوه‌ر (روان‌شناس ورزشی و رئیس دستگاه‌های اجرایی معتقد است که انگیزه‌ی درونی مهمترین عامل پیشگویی کننده موفقیت ورزشی به شمار می‌رود». علاقه شدید، عامل دیگری که با انگیزه درونی ارتباط نزدیک دارد عشق به بازی

است. ثبات: ورزشکاران با استعداد به ثبات عاطفی گرایش دارند سرسختی، نگرش مثبت، واقع گرایی تمرکز-تلاش- بردباری و رقابت جویی از دیگر ویژگیهای روان شناختی می باشد. ۴. عوامل ناملموس علاوه بر مسائل ذکر شده عوامل دیگری در شناخت ورزشکاران با استعداد نقش دارند که به دلیل ناملموس بودن آنها می توان از آنها به عنوان عوامل ناملموس یاد کرد، برخی از این عوامل عبارتند از: ۱- موفقیت در کارهای غیر ممکن ۲- تأثیر مثبت بر هم تیمی ها ۳- تشخیص توپ و موقعیت ها ۴- قرار دادن هم تیمی ها در موقعیت بهتر ۵- پیش بینی ۶- مربی پذیری ۷- سازگاری با شرایط ۸- تجلی در شرایط مقتضی ۹- گزینه قوی ۱۰- ارائه بازیهای قابل توجه ورزشکارانی که از این صفات برخوردارند افرادی نادر به شمار می روند و از استعداد ذاتی بر خور دار هستند و این نکته را نباید فراموش کرد که این قابلیتها در زمان رقابت بیشتر بروز پیدا می کند. (۲)

الگوهای استعدادیابی ورزشی

الگوی بار و ایورا (۱۹۷۵)

الگوی پنج مرحله ای بار - ایورا (۱۹۷۵) با ارزشیابی خردسالان ۱۰ تا ۱۲ ساله بر اساس متغیرهای پیکرشناسی، فیزیولوژیکی، روانی و عملکرد ورزشی آغاز می شود، با تعیین ضریب برای ارزشیابی های انجام گرفته جهت وزن دهی پارامترها ادامه پیدا می کند، سپس ظرفیت و پاسخ به سختی تمرینات با شرکت دادن افراد در یک دوره تمرینی کوتاه مدت ارزیابی می شود. در مرحله بعد تاریخچه خانوادگی فرد به لحاظ قد و قامت و سابقه ورزشی بررسی می شود و در نهایت یک معادله رگرسیون (پیشگویی) براساس اطلاعات حاصله محاسبه می شود. (۴)

الگوی گیمبل (۱۹۷۶) الگوی سه مرحله ای گیمبل (۱۹۷۶) با ارزیابی عام شاخصهای فیزیولوژیکی افراد ۱۱ تا ۱۳ سال شروع شده، سپس شاخصهای آنتروپومتری ارزیابی شده و در نهایت انگیزه ورزشکاران بررسی می شود. در الگوی گیمبل (۱۹۷۶) شاخصهای بیومکانیکی به عنوان پارامتر مؤثر در عملکرد جایی ندارد. (۴)

همچنین در حوزه شاخص های روان شناختی تنها انگیزه را مدنظر قرار می دهد، در حالی که نقش سایر پارامترهای روانی مانند اعتمادبه نفس، تمرکز، روحیه رقابت جویی و تصویر سازی ذهنی را نادیده گرفته است.

الگوی جونز و واتسون (۱۹۷۷) : تنها بر متغیرهای روان شناختی تمرکز دارد و مراحل آن با تعریف یک عملکرد ورزشی خاص شروع می شود، سپس برای ارزیابی عملکرد، پارامترهای روانی انتخاب میشوند؛ سپس از طریق رگرسیون چند متغیره به پیشگویی می پردازد. در این الگو نقش شاخصهای فیزیولوژیکی، بیومکانیکی، آنتروپومتری و مهارتی لحاظ نشده است. (۵)

الگوی استعدادیابی جرون ۳ (۱۹۷۸) : بر اساس نظریه جرون (۱۹۷۸) نیمرخ هایی که از ورزشکاران مستعد تهیه می شوند، جامعیت لازم برای شناسایی استعدادها و ورزشی واقعی را ندارند. روش پیشنهادی جرون شامل تعیین نیمرخ یک ورزشکار برجسته در یک رشته ورزشی خاص و سپس مقایسه شرایط افراد رده های سنی با نیمرخ ورزشکار برجسته است. این الگو، همه شاخصهای مؤثر بر عملکرد را لحاظ نمی کند. |

الگوی استعداد یابی مونت و کازورلا (۱۹۸۲) : این دو محقق کانادایی و فرانسوی الگوی گیمبل (۱۹۷۶) را کامل تر کردند و آن را روی شناگران به آزمایش گذاشتند. آنها جزئیات مربوط به نحوه شناسایی متغیرهای پیکری و فیزیولوژیکی را که پیشگویی باید بر اساس آنها صورت پذیرد، تعیین و دو مرحله برای استعدادیابی شنا پیشنهاد کردند. نخست نیم رخ فیزیولوژیکی یک قهرمان برجسته در هر یک از شاخه های شنا تهیه کردند، در مرحله دوم، ثبات متغیرهای این نیم رخ در تحقیقات طولی مشخص شد. سپس بر مبنای ضرایب حاصله افراد مستعد شناسایی می شوند. این پژوهشگران همانند گیمبل (۱۹۷۶) یک دوره جبرانی را برای استعدادهایی که دیرتر شکوفا می شوند، پیشنهاد می کنند. (۴)

الگوی استعداد یابی درک (۱۹۸۲) : این الگو برای اولین بار شناسایی تیپهای بدنی مناسب در رشته های ورزشی گوناگون را مدنظر قرار داد و آمادگی جسمانی عمومی را بدون توجه به ورزشی خاص، شاخص استعدادیابی معرفی کرد؛ بدین معنی که پیش بینی میزان سازگاری و مهارت فرد در طول

یک دوره برنامه تمرینی کوتاه مدت را به وضعیت سلامت عمومی، پیکرشناسی و ساختار بدن و میزان اجتماعی بودن مرتبط ساخت. الگوی درک (۱۹۸۲)، با اینکه سعی داشت تمام شاخص ها در حوزه های مختلف را پوشش دهد، ولی تأثیر پارامترهای فیزیولوژیکی و بیومکانیکی را نادیده گرفته است. ضمن آنکه رشته های ورزشی تخصصی پیش نیازهای مربوط به خود را می طلبند و توجه کلی به آمادگی جسمانی عمومی نمی تواند ملاک تشخیص همه جانبه ای باشد. (۴)

الگوی استعدادیابی وودمن ۲ (۱۹۸۵) : این الگو براساس اجرای مهارت بعد از آموزش شکل گرفت و این ایده مطرح شد که اساسا توجه به شاخصهای ذاتی مانند ژنتیک نمی تواند عاملی تعیین کننده در شناسایی استعدادها و ورزشی باشد. بلکه ورزشکاران باید به سنی برسند که بتوانند مهارت های ورزشی خاص هر رشته را آموزش ببینند و هنگام اجرای این مهارتها ارزیابی شوند. ایده ملاحظه شاخص های مهارتی به عنوان شاخص استعدادیابی با ارائه این الگو تکامل یافت و تا به امروز بیشتر پژوهش های استعدادیابی دنباله رو این الگو بوده و همواره به پارامتر مهارت به عنوان شاخصی کلیدی تأکید داشته اند. (۴)

الگوی استعدادیابی راسل ۳ (۱۹۸۹) : در الگوی راسل (۱۹۸۹)، ابتدا در پنج حیطه جسمانی، پیکری، ادراکی - حرکتی، روانشناختی و جامعه شناختی آزمون های پایه صورت می گیرد، سپس گزینش افراد مستعد بر اساس مقایسه با نتایج ورزشکاران نخبه و رده ملی در این آزمونها صورت می گیرد. (۵)

جمع بندی و نتیجه گیری

پیش بینی استعداد به برآوردهای دقیقی فراتر از مشاهده طبیعی یا اندازه گیری ساده نیاز دارد و نمی توان بر اساس میزان پیشرفت اولیه کودک پیشرفتهای بعدی او را تخمین زد. این موضوع به ماهیت رشته های ورزشی، مراحل یادگیری و به ویژه تغییرات عاطفی - اجتماعی مربوط می شود. مرحله اول یادگیری یک مهارت مرحله شناختی است که در آن تواناییهای حرکتی و شناختی نقش زیادی دارد. در مرحله واسطه ای یا تداعی، عوامل ادراکی - حرکتی و حس حرکتی - بدنی و در مرحله خودکار، بی نیازی از بازخوردهای بینایی و رهایی از کنترل قشر مغز یا سرعت و دقت اهمیت

بیشتری دارد. در مراحل اولیه که افراد انگیزه های درونی و بالایی برای یادگیری و اجرا دارند، به موفقیت بیشتری می رسند یا افرادی که به مراحل پیچیده و دشوار مهارت می رسند ممکن است اعتماد بنفس خود را از دست بدهند. بنابراین بهتر است هنگامی که یک استعداد واقعی را کشف می کنید آن را حمایت نمایید، رشد دهید، به چالش وادارید، و از تجارب مربوط به آن لذت ببرید، اما در مورد آن دور اندیش باشید. وراى این استعداد ورزشى زود گذر، با یک کودک عادى مواجه هستیم که به محبت، فرصت، توجه، و نظمی که والدین و مربیان باید به تمامی کودکان اعم از با استعداد و بی استعداد ارزانی دارند، محتاج است.

با تعقیب مطالعات در حوزه الگوهای استعدادیابی ورزشی سیر تکاملی آنان به روشنی قابل تشخیص است. الگوهای ابتدایی بیشتر بر شاخصهای ذاتی مانند ژنتیک استوار بودند و پارامترهای بسیار مهم دیگر مانند پارامترهای روان شناختی، بیومکانیکی و مهارتی را کمتر مدنظر داشتند، در حالی که الگوهای نهایی مانند الگوی وو دمن (۱۹۸۵) و راسل (۱۹۸۹)، علاوه بر مدنظر قرار دادن پارامترهای فیزیولوژیکی، آنتروپومتری، بیومکانیکی و روانی، بر پارامترهای مهارتی نیز تکیه داشتند و در واقع استعدادیابی براساس «ارزیابی مهارت بعد از آموزش» را بر استعدادیابی بر اساس «شاخصهای ذاتی» مقدم دانسته و سن مناسب استعدادیابی در بیشتر رشته ها (برای آموزش مهارت و سپس ارزیابی چگونگی اجرا) بین ۱۱ تا ۱۴ سال در نظر می گیرند.

منابع

۱. براون، جیم، استعداد یابی در ورزش. ترجمه سعید ارشب و الهام راد نیا، انتشارات علم و حرکت، ۱۳۸۵؛ چاپ اول.
۲. جهاندیده-م. استعدادیابی در ورزش. مجله نشاط و ورزش. ۱۳۸۷؛ سال پنجم - شماره دهم. ص.۲.
۳. جنتی-م. اصول تکنیک های کانگ فوتوآ ۲۱. مجله سوتو. انجمن کانگ فوتوآ ۲۱. ۱۳۹۳؛ شماره ۱.
۴. رضانی نژاد- رحیم. « تربیت بدنی در مدارس » ۱۳۸۲؛ انتشارات سمت: چاپ اول. ص.۵.

۵. مگیل ریچارد-ا. « تواناییها، تفاوت‌های فردی و استعداد یابی ». فصلنامه المپیک. ۱۳۷۹؛ سال هفتم، ش ۱۸.

6. Mildred Didrikson-Zaharias. National Women Hall of fame.
Available: [www. Greer women. Org](http://www.Greerwomen.Org) 2000